

فصل دهم

درس هجدهم

جغرافیا، جغرافی دانان و توسعه پایدار

استدلال جغرافیایی

دانستن نام مکان‌ها و پدیده‌ها تنها بخشی از دانش جغرافیاست. درست مثل محاسبه کردن که بخشی از دانش ریاضیات است یا خواندن که مقدمه مطالعه ادبیات به حساب می‌آید و در مجموع، همگی ابزار مطالعه علوم مختلف اند.

برخی گمان می‌کنند جغرافیا یعنی حفظ کردن اسامی مکان‌های مختلف یا پدیده‌های گوناگون در روی زمین. آنها مثلاً دانستن نام استان‌های کشور و مراکز آنها یا موقعیت کوه‌ها و رودها و بنادر را جغرافیا فرض می‌کنند (شکل ۱-۱۰)، اما در واقع،



شکل ۱-۱۰

جمعیت، ایرانگردی و جهانگردی، به دست آورده بودیم، با نگرش خاص جغرافیایی مطرح کردیم. همه اطلاعاتی که در این فصول مورد استفاده قرار گرفتند، حاصل پژوهش‌های جغرافیایی نبودند. جغرافیا نیز همانند دیگر رشته‌های علوم، به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز می‌پردازد. گاه خود، آنها را جمع‌آوری می‌کند و گاه از یافته‌های دیگر علوم استفاده می‌کند و با آنها استدلال جغرافیایی را انجام می‌دهد.

مسئله می‌دانید که ابزار به تنهایی کاری انجام نمی‌دهد؛ مثلاً یک چکش به تنهایی یک ابزار است که آن را برای انجام دادن کارهایی مثل کوبیدن آهن یا شکستن سنگ به کار می‌برند. حفظ کردن اسامی جغرافیایی مکان‌ها یا پدیده‌ها نیز فقط ابزاری برای مطالعه و استدلال جغرافیایی محسوب می‌شود. در این کتاب، ما اطلاعاتی را که از ویژگی‌های طبیعی و انسانی ایران، آب‌ها، جنگل‌ها و مراتع، بیابان‌ها، مخاطرات طبیعی،

فعالیت ۱۰-۱

مطالبی را که در درس دهم (مخاطرات طبیعی چیست؟) ارائه شده است، یک بار دیگر مرور کنید. ضمن مطالعه، بگویید که اطلاعات این درس، از کدام علوم حاصل شده‌اند.

(شکل ۲-۱۰)

به مثال دیگری در این زمینه توجه کنید. اقتصاددانان تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، نظام‌های اقتصادی و عرضه و تقاضا را مطالعه می‌کنند، اما جغرافیدانان به چگونگی معیشت گروه‌های انسانی در مکان‌های مختلف در رابطه با محیط زندگی‌شان پرداخته و به تجزیه و تحلیل این امر همت می‌گذارند؛ مثلاً، آنها می‌پرسند چرا در یک مکان خاص، بندر ایجاد می‌شود یا چگونه منابع معدنی در یک ناحیه ایجاد و شهرک‌های

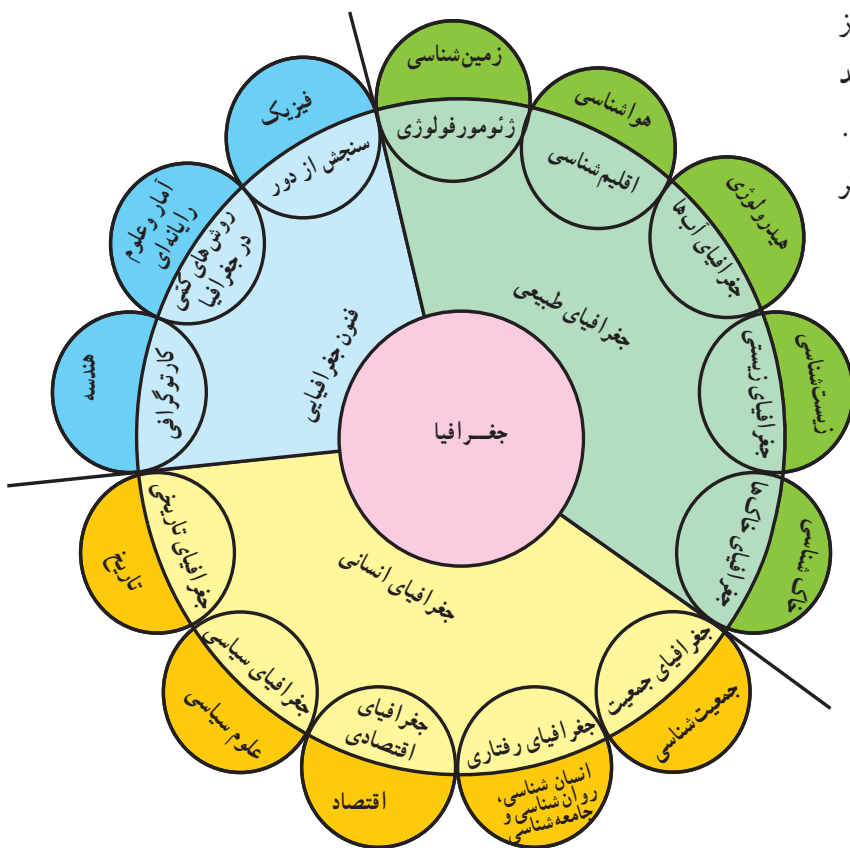
تجزیه و تحلیل پراکندگی‌ها

بسیاری از مباحث مطرح شده در سایر فصول این کتاب نیز حاصل علمی چون گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، هواشناسی و اقتصاد است اما به شکل مسائل جغرافیایی به شما عرضه شده است. برخی جغرافیا را پلی بین رشته‌های مختلف علوم می‌دانند که علوم طبیعی را با علوم انسانی پیوند می‌دهد. مباحثی که در فصل آب‌ها یا فصل جمعیت مطرح شد، در آب‌شناسی و جمعیت‌شناسی هم مطرح می‌شوند اما در جغرافیا به پراکندگی آب‌ها در جهان یا پراکندگی جمعیت در روی کره زمین و بررسی علل آن می‌پردازند.

جغرافیا بیش از هر چیز بر پراکندگی فضایی تأکید می‌کند. پراکندگی فضایی یعنی این که پدیده‌ها در چه مکان‌هایی به وقوع می‌پیوندند و چرا؛ مثلاً چرا سیل در کشور بنگلادش بیشتر به وقوع می‌پیوندد. بررسی علل پیدایش سیلاب و منطقه وقوع آن در واقع بررسی پراکندگی فضایی آن است. همچنین یک گیاه‌شناس بیشتر به چگونگی رشد درخت بلوط، ساختمان داخلی و چگونگی ازدیاد آن می‌پردازد یا رده‌بندی گیاهان را انجام می‌دهد اما جغرافیدان به پراکندگی جنگل‌های بلوط در جهان یا مثلاً ایران و علل رشد این گیاه در آن مناطق توجه کرده، آن را تجزیه و تحلیل می‌کند



شکل ۲-۱۰ - تجزیه و تحلیل علل وجود جنگل‌های بلوط در غرب ایران از وظایف جغرافیدانان است.



صنعتی گسترده شده‌اند یا چرا بخش‌های عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در جنوب شرقی آسیا به تولید ابزارها و وسایل الکترونیکی اختصاص یافته است. آنان همچنین به تشابهات و تفاوت‌های مکان‌ها با یکدیگر توجه دارند (شکل ۳-۱۰).



شکل ۳-۱۰ چه عواملی سبب رونق فعالیت‌ها در این بندر شده است؟ شکل ۴-۱۰ ارتباط بین علوم مختلف و جغرافیا و شاخه‌های آن

ارتباط بین جغرافیا و علوم دیگر

چنان‌که در شکل ۴-۱۰ می‌بینید، جغرافیا از یافته‌های علوم دیگر هم استفاده می‌کند و با دید ترکیبی بررسی‌ها و مطالعات خود را در مورد پراکندگی پدیده، روابط بین آنها انجام می‌دهد. برای رسیدن به نتایج مطلوب جغرافیدانان از ابزار و فنون جدید و پیشرفته‌ای مانند سنجش از دور*، رایانه، کارتوگرافی و آمار نیز بهره می‌گیرد.

در دو مثالی که در بالا ارائه کردیم (گیاه‌شناسی و اقتصاد)، بین جغرافیا و گیاه‌شناسی و جغرافیا و اقتصاد ارتباطی وجود داشت. بین جغرافیا و سایر رشته‌ها نیز ارتباط‌هایی وجود دارد. به شکل ۴-۱۰ توجه کنید.

فقالیت ۲-۱۰

با توجه به شکل ۴-۱۰ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- از هندسه بیشتر در چه شاخه‌ای از جغرافیا استفاده می‌شود؟
- ۲- اقلیم‌شناسی (آب و هواشناسی) و ژئومورفولوژی یافته‌های کدام یک از علوم علم را در اختیار جغرافیا قرار می‌دهند؟
- ۳- جغرافیای رفتاری، از داده‌های کدام علوم استفاده می‌شود؟
- ۴- فکر می‌کنید جغرافیای تاریخی یعنی چه؟ توضیح دهید و مثال بزنید.

جغرافیا، علم ترکیبی



(الف)



(ب)

شکل ۵-۱۰ - چشم انداز مکان‌ها بر اثر تغییرات اقتصادی دچار تحول و دگرگونی می‌شود.

هنگامی که جغرافیدان، اسامی مکان‌ها و چگونگی وقوع پدیده‌ها را شناخت، به طرح پرسش‌های تازه‌ای می‌پردازد؛ مثلاً، اگر با پدیده تراکم جمعیت در جنوب شرقی آسیا روبه‌رو شود، این سؤال‌ها را مطرح می‌کند:

* چرا در این ناحیه از جهان، تراکم جمعیت زیاد است؟
 چه عواملی سبب جذب جمعیت به این قسمت از جهان شده است؟
 * چگونه پدیده‌های محیطی بر جمعیت جنوب شرقی آسیا تأثیر می‌گذارند و این مکان خاص را به وجود می‌آورند؟
 * چه ارتباطی بین کشورهای جنوب شرقی آسیا و دیگر نواحی جهان وجود دارد (سرمایه‌ها، جمعیت، فناوری و...)?
 * چه عواملی سبب رونق فعالیت‌های اقتصادی مردم در این ناحیه از جهان شده است؟

* چشم‌اندازهای کشورهای جنوب شرقی آسیا چگونه تغییر می‌کنند؟ (شکل ۵-۱۰)
 * تغییر در این کشورها چه تأثیراتی بر زندگی مردم دارد؟
 پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها نیازمند ترکیب کردن اطلاعات حاصل از علوم مختلف است و جغرافیا با ترکیب این اطلاعات، به سؤالات اساسی جغرافیایی پاسخ می‌گوید و در نهایت، دیدگاه جغرافیایی را در بررسی یک مکان، ارائه می‌دهد.

شاخه‌های علم جغرافیا

در شکل ۴-۱۰ دقت کنید. همان‌طور که در این شکل می‌بینید، یکی از شاخه‌های علم جغرافیا، جغرافیای طبیعی است. این شاخه از علم جغرافیا، موضوعاتی چون آب و هواشناسی، آب‌ها، ناهمواری‌ها، خاک‌ها، پوشش‌های گیاهی و زندگی جانوری را در کره زمین بررسی می‌کند. جغرافیای طبیعی را در قلمرو علوم طبیعی قرار می‌دهند. کاربرد موضوعات جغرافیای طبیعی یافتن راه‌هایی برای حل مشکلات محیطی نظیر مخاطرات طبیعی است.

جغرافیای انسانی، گروه‌های انسانی و ویژگی‌ها و فعالیت‌هایشان را در مکان‌های مختلف جهان بررسی و مطالعه

می‌کند؛ مثل زبان، مذهب، صنعت، شهرنشینی، روستانشینی، رفتارهای اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی. این شاخه از جغرافیا را در قلمرو علوم انسانی یا اجتماعی قرار می‌دهند. کاربرد موضوعات جغرافیای انسانی نیز یافتن راه‌هایی برای حل مشکلات محیطی نظیر مهاجرت روستائیان به شهرهاست.
 جغرافیدانان طبیعی و انسانی با یکدیگر بیگانه نیستند. آنان

به همراه کلمه اقتصاد به شکل توسعه اقتصادی به کار می‌برند. به علت نیاز به شناسایی محیط زندگی و برنامه‌ریزی برای آینده این محیط و مردم ساکن آن، جغرافیدانان هم وارد میدان مطالعات اقتصادی، اجتماعی شده‌اند. به همین علت، از گذشته‌های دور تاکنون، بین جغرافیا و مطالعات توسعه، ارتباطی قوی وجود داشته است.

برداشت‌های متفاوت از توسعه

با توجه به درآمد کشورها و معیارهای اقتصادی، کشورهای جهان به دو گروه عمده یعنی کشورهای توسعه یافته اقتصادی و کشورهای در حال توسعه اقتصادی تقسیم شده‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم کشورها به دو گروه کشورهای سرمایه‌داری، و کشورهای دارای نظام برنامه‌ریزی شده متمرکز، تقسیم شدند و کشورهای فقیر را جهان سوم نام نهادند. با فروپاشی اتحاد شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ و از بین رفتن نظام برنامه‌ریزی شده در این کشور و در بسیاری از کشورهای تحت سلطه‌اش در اروپای شرقی، کشورهای جهان سوم مفهوم خود را از دست دادند. اکنون کشورها را به دو گروه عمده کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه تقسیم می‌کنند.

توسعه پایدار

بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ که در مورد محیط زیست بود و به اجلاس زمین معروف شد، عنوان تازه‌ای به نام توسعه پایدار مطرح شد، که در اجلاس زمین در سال ۲۰۰۲ میلادی در دوربان آفریقای جنوبی نیز مورد تأکید قرار گرفت. همان‌طور که گفتیم، استفاده از منابع محیطی مثل معادن، جنگل‌ها، مراتع، آب‌ها، نفت و زغال سنگ و دیگر مواد انرژی‌زا لازمه توسعه اقتصادی است و کشورها برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم خود، به ناچار از منابع محیطی استفاده می‌کنند؛ مثلاً کشور هند با جمعیت زیاد و روبه رشد باید از منابع خود استفاده کند تا به توسعه اقتصادی دست یابد (شکل ۸-۱۰).

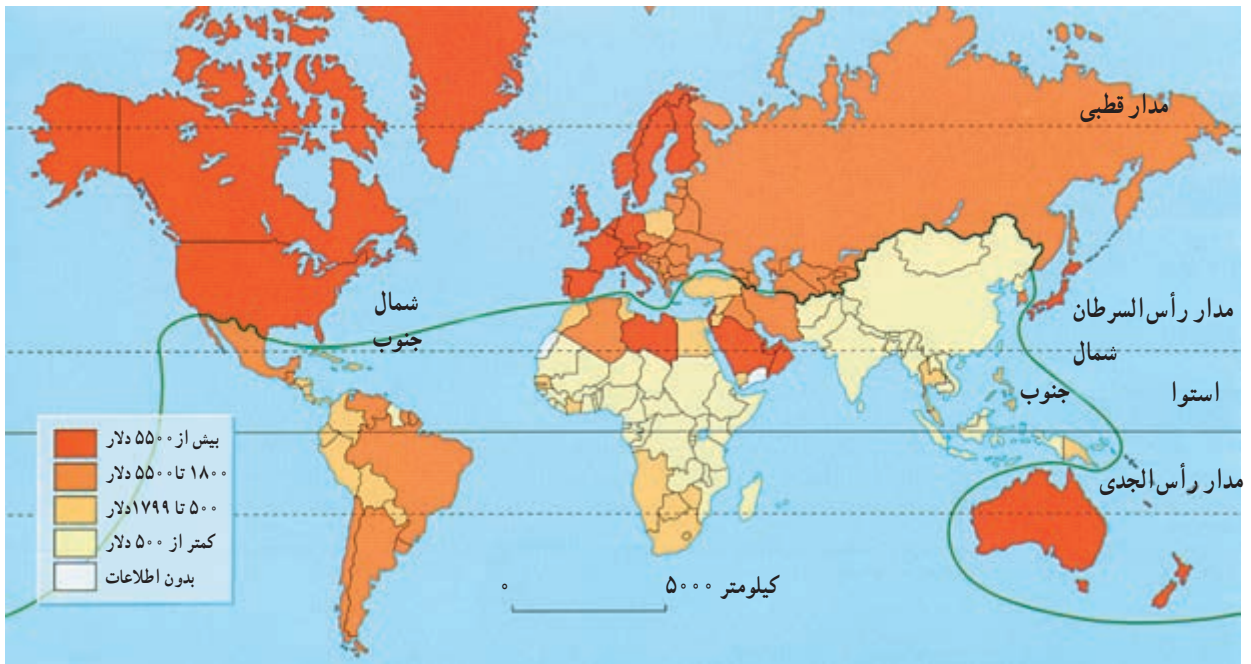
یافته‌های خود را با هم در میان می‌گذارند و آنها را با هم ترکیب می‌کنند؛ آن‌گاه یافته‌های حاصل را تجزیه و تحلیل می‌کنند تا بتوانند چشم‌اندازها را تفسیر کنند و به درک روابط متقابل انسان و محیط زندگی‌اش بپردازند (شکل ۶-۱۰).



شکل ۶-۱۰- درک چشم‌اندازها کار چندان آسانی نیست و نیازمند اطلاعات بسیاری از علوم دیگر است.

جغرافیا و توسعه

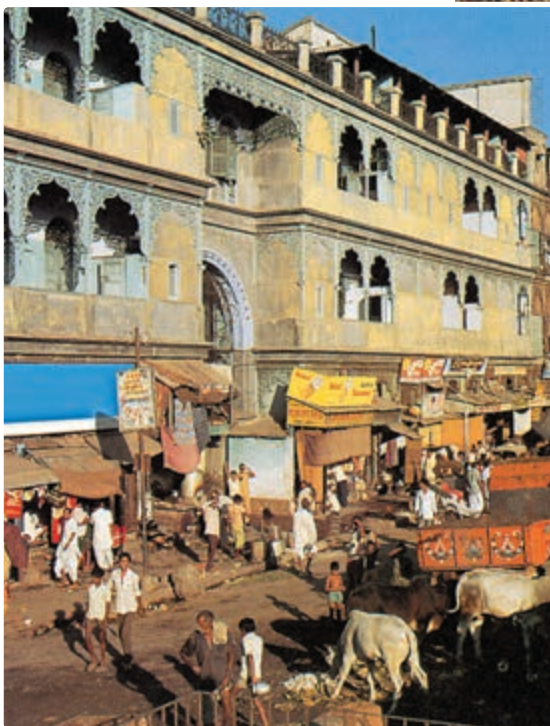
معنای توسعه: توسعه در لغت به معنای گستردن و فراخ کردن و در اصطلاح به مفهوم حرکت به جلو برای رسیدن به شرایط بهتر است. هنگامی که این لغت درباره جوامع به کار می‌رود، به معنای استفاده از امکانات محیطی و اجتماعی برای بهبود بخشیدن به شرایط زندگی در آن جامعه است و از این نظر، توسعه یک مفهوم اقتصادی پیدا می‌کند. اغلب کلمه توسعه را



شکل ۷-۱۰- نقشه کشورهای جهان بر اساس تولید ناخالص ملی سرانه



شکل ۸-۱۰- کشور پرجمعیت هند بر منابع طبیعی این کشور فشار وارد می کند.



شکل ۹-۱۰

۱- بُعد اقتصادی: مدیریت منابع مالی به نفع عموم مردم؛ به طوری که عامه مردم از آن سود برند. توزیع عادلانه درآمد و ثروت و جلوگیری از ایجاد فاصله زیاد سطح زندگی بین فقیر و غنی.

۲- بُعد زیست محیطی (اکولوژیکی): توجه به امکانات محیطی و بهره‌برداری صحیح از آن و برهم زدن توازن در طبیعت و جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آن.

۳- بُعد مکانی: ایجاد تعادل بین روستاها و شهرها و عملی کردن توسعه‌ای که ساکنان همه بخش‌های مختلف یک کشور را دربرگیرد.

۴- بُعد فرهنگی - اجتماعی: توجه به ویژگی‌های فرهنگی جوامع و یافتن راه‌های مناسب برای توسعه که با خصوصیات فکری، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه مطابق باشد.

اگر بهره‌برداری از منابع بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های محیطی و فقط برای رفع نیازهای جمعیت کنونی باشد، خسارت جدی و جبران‌ناپذیری به محیط وارد می‌شود و نسل‌های آینده دچار ضرر و زیان خواهند شد؛ بنابراین، چنین توسعه‌ای دوام نمی‌آورد و پایدار نیست. همچنین درباره توسعه پایدار گفته‌اند که این نوع توسعه به ابعاد چهارگانه زیر توجه دارد:

توسعه پایدار به معنای تأمین نیازهای امروز، بدون کاستن از توانمندی‌های نسل‌های آینده است. البته منظور ما این است که آیندگان هم از منابع و ذخایر سهمی داشته باشند. توسعه پایدار، توسعه‌ای همه‌جانبه است و فقط به تأمین نیازهای مادی انسان امروز از محیط نمی‌اندیشد.

خلاصه

- جغرافیا بر پراکندگی فضایی پدیده‌ها تأکید می‌کند و با نگرشی خاص، دستاوردهای علوم دیگر را با هم ترکیب می‌کند.
- برداشت‌ها از توسعه و مفهوم آن متفاوت بوده و کشورهای مختلف بر اساس این برداشت‌ها تقسیم‌بندی شده‌اند.
- توسعه پایدار یعنی توسعه‌ای که تداوم داشته باشد و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در آن در نظر گرفته شود.

توسعه و وابستگی انسان ها و مکان ها به یکدیگر

اقتصاد کشورهای دور و نزدیک - که مصرف کننده یا تولید کننده این ماده انرژی زاینده - دارد. حتی، کشف یک داروی جدید در یک ناحیه جهان ممکن است سبب مداوای بیماران در نواحی دور و نزدیک جهان امروز شود. این مثال ها، وابستگی انسان ها را به یکدیگر در جهان امروز نشان می دهد؛ بنابراین، ما به کسب اطلاعاتی از سایر کشورها و نواحی جغرافیایی جهان نیازمندیم. به همین علت، کارشناسان توسعه معتقدند که امر توسعه را باید در همه جای کره زمین در نظر گرفت و یک ناحیه یا کشور را نمی توان از سایر کشورها جدا کرد. بسیاری از پدیده هایی که در امر توسعه تأثیر می گذارند، جهانی اند و گستره وسیعی دارند.

می گویند دنیا در حال کوچک شدن است؛ شاید این عبارت چندان هم دور از واقع نباشد. ما همواره اخباری را درباره دیگر مکان ها و کشورها دریافت می کنیم. رسانه های گروهی به ما امکان می دهند که از دیگر مکان ها با خبر باشیم. اتفاقاتی که در یک کشور یا منطقه رخ می دهد، بر دیگر نواحی جهان تأثیر می گذارد؛ مثلاً وقوع سیلی که باعث نابودی کشتزارهای گندم یا برنج در یک کشور می شود، ممکن است بر قیمت این کالاها در این کشور و مناطق دورتر تأثیر بگذارد و ارزش آنها را در نواحی دوردست افزایش دهد (شکل ۹-۱۰) یا نوسان قیمت نفت، تأثیر زیادی بر



شکل ۱۰-۱۰- آیا وقوع سیل در یک کشور، در سایر نواحی جهان تأثیر دارد؟

فعالیت ۳-۱۰

- ۱- با توجه به درس هشتم و نهم، توضیح دهید که چگونه آلودگی های محیطی یک کشور بر سایر کشورها تأثیر می گذارد؟
- ۲- مثال های دیگری ذکر کنید که نشان دهنده تأثیر رویدادهای طبیعی یا تصمیم گیری های سیاسی و اقتصادی در یک کشور بر کل جهان یا نواحی دیگر آن کشور باشد.

توسعه را چگونه اندازه گیری می کنند؟

برای محاسبه میزان توسعه کشورهای، از شاخص های مختلفی استفاده می کنند مثل :

* میزان درآمد سرانه مردم یک کشور

* مقدار مصرف سرانه انرژی

* طول عمر مورد انتظار در بدو تولد (امید به زندگی)

* مقدار مصرف سرانه آهن یا سیمان

* نرخ زاد و ولد

* شاخص های دیگر ...

به جدول زیر توجه کنید. در این جدول، برخی از

شاخص هایی که در محاسبه میزان توسعه اقتصادی کشورها مورد

توجه قرار می گیرند، ذکر شده است.

جدول ۱-۱۰- جدول شاخص های توسعه اقتصادی در برخی از کشورها (۲۰۱۰)

نام کشور	امید به زندگی زنان (سال مردان)	درآمد سرانه (دلار)	رتبه درآمد سرانه	مصرف سرانه انرژی بر حسب کیلوگرم زغال سنگ*	رتبه	نرخ زاد و ولد (درصد)	رتبه	جمعیت (میلیون نفر)	رتبه
سوئیس	۸۴	۴۳۰/۸۰		۳۶۲۹	۱	۱		۷/۶	
نروژ	۸۳	۵۳/۶۹۰		۵۳۱۸	۱/۲			۴/۸	
فرانسه	۸۵	۳۳/۴۷۰		۴۰۴۲	۱/۳			۶/۲۶	
ژاپن	۸۶	۳۴/۶۰۰		۳۸۵۶	۰/۹			۱۲۷/۷	
مجارستان	۷۷	۱۷/۴۳۰		۲۳۸۳	-۰/۳			۹/۹	
مصر	۷۴	۵/۴۰۰		۶۰۰	۲/۷			۷۸/۱	
کلمبیا	۷۶	۶/۶۴۰		۶۲۲	۲			۴۵/۷	
کویت	۷۹	۴۹/۹۷۰		۸۶۲۲	۲/۱			۲/۸	
زلاندنو	۸۲	۲۶/۳۴۰		۴۲۴۵	۱/۵			۴/۴	
زامبیا	۳۷	۱/۲۲۰		۱۴۹	۴/۳			۱۲/۷	
کنیا	۵۳	۱/۵۴۰		۱۱۰	۴			۴۰/۲	
هند	۶۶	۲/۷۴۰		۲۴۸	۲/۴			۱۱۸۶/۴	

* معادل زغال سنگ محسوب شده است و گرنه همه این کشورها فقط زغال سنگ مصرف نمی کنند.

منبع اطلاعات جدول : ۲۰۱۰ Global Geography. Harmj. DEBLij. Petero. Muller

فعالیت ۴-۱۰

۱- با توجه به ارقام جدول ۱-۱۰، رتبه کشورهای را در ستون مربوط به آنها بنویسید.

۲- آیا می توان از ارقام جدول نتیجه گرفت که کشورهایی که از نظر درآمد رتبه پایینی دارند، رشد جمعیت

زیادی دارند؟

۳- آیا به نظر شما، می توان فقط با توجه به شاخص هایی که در جدول آمده اند، میزان توسعه یافتگی کشورها

را مشخص کرد؟ چرا؟

- * میزان اشتغال زنان در مشاغل علمی و فنی
- * نرخ مرگ و میر در کودکان زیر پنج سال (شکل ۱۱-۱۰)
- * میزان ثبت نام دختران در مدارس
- * درصد نیروی انسانی شاغل در فعالیت‌های صنعتی و خدماتی.

- البته گاهی برای مشخص کردن میزان توسعه در کشورها، شاخص‌های دیگری هم مورد محاسبه قرار می‌گیرند؛ مثل:
- * درصد باسوادی
- * میزان دسترسی به شبکه راه‌ها (طول راه آهن، بزرگراه‌ها و...)



شکل ۱۱-۱۰- واکسینه کردن کودکان که سبب کاهش میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال می‌شود. از نشانه‌های توسعه در یک کشور است.

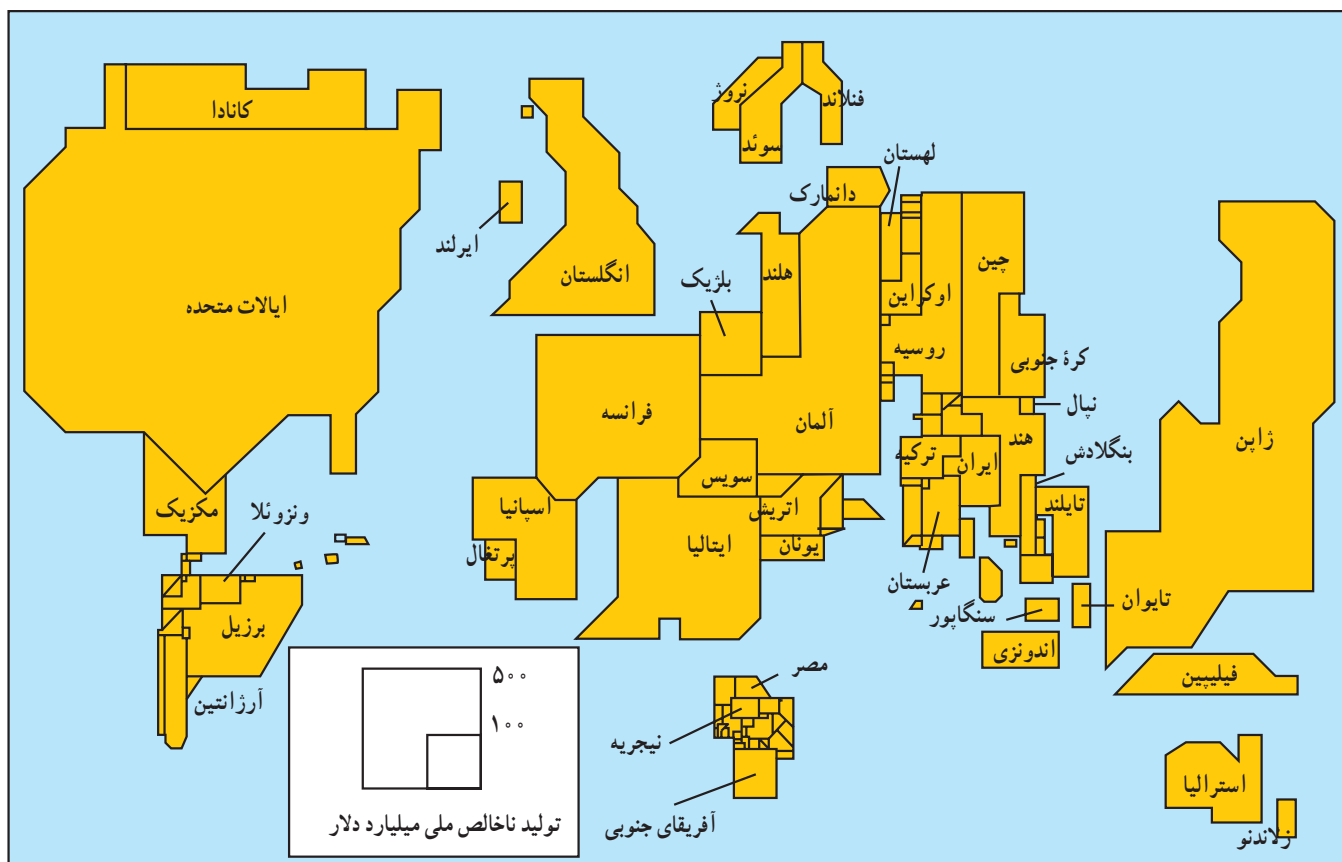
بپردازند، نقشه جالب دیگری را ابداع کرده‌اند. در این نقشه وسعت کشورها براساس میزان تولید ناخالص ملی آنها (معیار اقتصادی) در نظر گرفته می‌شود (شکل ۱۲-۱۰).

اندازه نسبی اقتصادی کشورها

جغرافیدانانی که موضوع توسعه را بررسی می‌کنند، به جای آن که با توجه به وسعت واقعی کشورها به تهیه نقشه جهان نما

فنایت ۴-۱۰

- ۱- در شکل ۱۲-۱۰ به وسعت کشورهای ژاپن، روسیه و برزیل در روی نقشه صفحه بعد توجه کرده و وسعت ایران را با بسیاری از کشورهای جنوب شرقی آسیا و منطقه خاورمیانه مقایسه کنید.
- ۲- اندازه کشورهای ایران، بلژیک، ایتالیا، ژاپن و استرالیا را با اندازه واقعی آنها در روی یک نقشه جهان نما مقایسه کنید.
- ۳- به نظر شما چرا کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی این قدر کوچک شده‌اند؟



شکل ۱۲-۱۰- اندازه نسبی اقتصادی کشورها براساس تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۵ میلادی

شاخص توسعه انسانی

نتیجه گیری می‌شد؛ مثلاً، کشور کم وسعت کویت با درآمدهای نفتی زیاد و جمعیت کم، درآمد سرانه زیادی داشت که سبب می‌شد این کشور، توسعه یافته تلقی شود. اگر تنها عوامل اقتصادی در نظر گرفته شود، دسته بندی کشورها از نظر توسعه به ترتیب خاصی خواهد بود. کشورهای

توسعه اقتصادی تا چندی پیش یک مفهوم گسترده و گاه نامشخص بود که هر ملتی از آن برداشت خاصی می‌کرد. در آن زمان، برای تعیین توسعه اقتصادی در یک کشور، اغلب از محاسبه درآمد سرانه مردم کشورها یا میزان رشد اقتصادی یک کشور

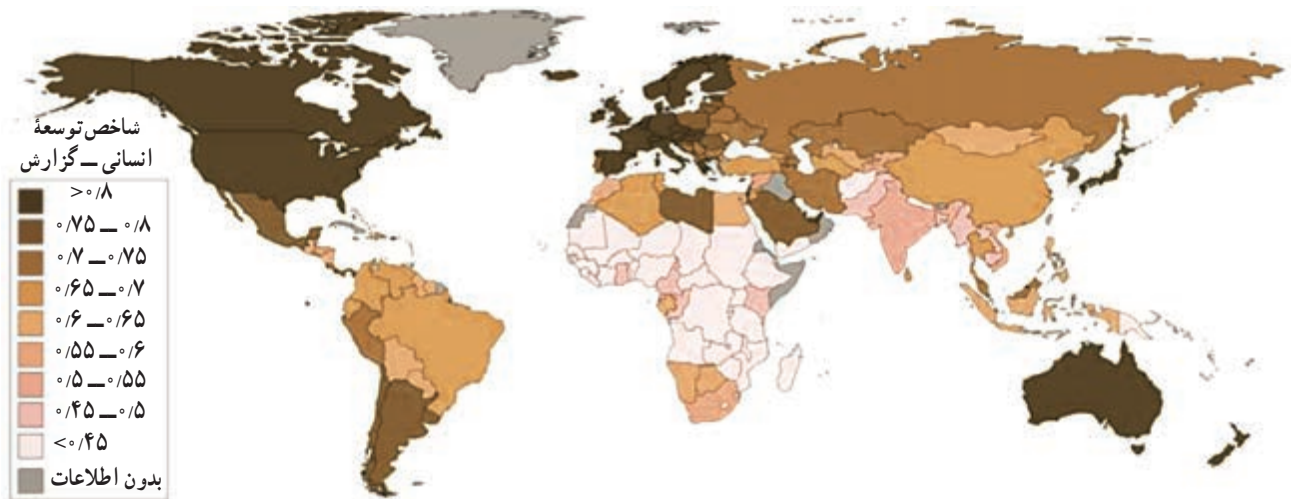
فعالیت ۵-۱۰

در شکل ۱۳-۱۰ دقت کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱- میزان شاخص توسعه انسانی برای ایران چه مقداری را نشان می‌دهد؟
- ۲- میزان شاخص مذکور برای استرالیا چه مقداری را نشان می‌دهد؟
- ۳- میزان شاخص مذکور برای هند چه قدر است؟
- ۴- چرا مقدار این شاخص برای دو کشور هند و چین کم است؟

داشته باشد، به عنوان شاخص، نمره یک را دریافت می کند و هرچه شاخص کشوری به عدد یک نزدیک تر باشد، نشانه بالا بودن توسعه انسانی در آن کشور است و برعکس؛ مثلاً در سال ۲۰۱۰ کشور سوئد بالاترین و کشور زیمبابوه کمترین رتبه را بین کشورهای جهان داشته اند و کشور ایران رتبه ۷۰ را در میان ۱۹۴ کشور جهان به دست آورده است. هم چنین این شاخص در طول زمان یعنی سال های مختلف، متغیر است و ممکن است کشوری از شاخص رتبه پایین به سمت بالا حرکت کند یا برعکس! نتیجه محاسبه شاخص توسعه انسانی برای کشورهای مختلف جهان، مشخص شده و بر روی نقشه ای نشان داده شده است (شکل ۱۳-۱۰).

ثروتمند در بالای جدول و کشورهای فقیر در پایین جدول توسعه قرار می گیرند اما چنان که می دانیم، پول و ثروت نشانگر همه چیز نیست؛ به همین دلیل، کارشناسان توسعه در سازمان های بین المللی (مثل سازمان ملل متحد یا بانک جهانی*) سعی کرده اند با استفاده از آمارها کیفیت زندگی را در کشورهای مختلف با یکدیگر مقایسه کنند. آنان شاخص جدیدی را به نام شاخص توسعه انسانی مطرح کرده اند که در آن، سه عامل قدرت خرید مردم، امید به زندگی و میزان باسوادی مورد توجه قرار می گیرد که اولی اقتصادی، دومی بهداشتی - درمانی و سومی از جمله مسائل فرهنگی است. در صورتی که کشوری در هر سه زمینه یاد شده بالاترین حد را



شکل ۱۳-۱۰ - نقشه جهانی مقدار شاخص توسعه انسانی برای کشورها (۲۰۱۰)

اندازه گیری می کند؟ با چه معیارهایی می توان میزان پای بندی مردم را به اعتقادات ملی و مذهبی اندازه گیری کرد؟ مقدار توجه آنان را به محیط زیست و حفظ تعادل آن چگونه باید اندازه گرفت؟ وظیفه جغرافیا و جغرافیدانان توجه به همه عوامل دخیل در محیط طبیعی و انسانی و بررسی روابط پیچیده آنها با یکدیگر است. تجزیه و تحلیل داده های محیطی و انسانی و ارائه چهره واقعی از جهان امروز، از وظایف جغرافیدانان است. چنین مطالعاتی، ارزش جغرافیا را مشخص کرده و مطالعات جغرافیایی را لذت بخش می کند.

وظایف جغرافیدانان در مطالعه توسعه

البته باید یادآوری کرد که بسیاری از کشورها با شاخص های مختلفی که نشان دهنده توسعه است، موافق نیستند. به عقیده آنان این شاخص ها و تعاریف سبب تقسیم کشورهای جهان به کشورهای ثروتمند و فقیر می شود. ریشه های این ثروت و فقر باید دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد و به عوامل تاریخی و اجتماعی در این امر توجه شود. همچنین باید دید که آیا واقعاً با بهبود شاخص های توسعه، زندگی واقعی مردم تغییری می کند؟ چه چیزی شادی مردم را



شکل ۱۴-۱۰- یک چشم انداز جغرافیایی

خلاصه

- برای اندازه گیری میزان توسعه و نمایش توسعه یافتگی، معیارها و ابزارهای گوناگون مورد استفاده قرار می گیرند.
- در شاخص توسعه انسانی سه عامل قدرت خرید مردم، امید به زندگی و باسوادی در نظر گرفته می شود.
- جغرافیدانان در مطالعات توسعه می توانند نقش عمده ای را بر عهده گیرند.